

حضرت بهاءالله می فرمایند:

بگو ای بندگان راه نما آمد بشتابید. بیننده یکتا آمده و راه راست نموده سزاوار آنکه هرکه این ندا را شنید به زبان حال بگوید: ای پروردگار، ندایت جهان را تازه نمود و زندگی بخشید رویم بسوی تست و جانم در آرزوی دیدار تو

### برنامه عید اعظم رضوان

۱- مناجات شروع

۲- لوح مبارک عید

۳- ذکر دسته جمعی (تعالی الکریم ذو الفضل العظیم) ۹ بار

۴- لوح مبارک گل و بلبل

۵- لوح مبارک حضرت بهاءالله

۶- شعر

تنفس

۷- لوح مبارک حضرت بهاءالله

۸- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۹- بیان مبارک حضرت عبدالبهاء

۱۰- تویق حضرت ولی محبوب امرالله

۱۱- مقاله جناب نادر سعیدی (قسمت اول) و (قسمت دوم)

۱۲- برنامه محلی

۱۳ الفت و پذیرائی

شروع جلسه ساعت ۴ بعد از ظهر می باشد

با تقدیم تحیات وبا تبریک به مناسبت حلول عید مبارک رضوان

مطلب ضمیمه در خصوص اعیادی که با این ایام همزمان می باشد را در هر زمان که مصلحت می دانید به اطلاع عزیزان برسانید

پس از زیارت بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عید رضوان به اهمیت دید و بازدید و ایجاد الفت و محبت در میان دوستان اشاره فرموده و با بهره گیری از نظرات عزیزان شوق و ذوق لازم جهت مبادرت به این امر را در این روزهای مبارک ایجاد نمائید

در صورت امکان سرود را با استفاده از نوار ش ۱۹ به صورت دسته جمعی اجرا نمائید

موفق باشید و پرتوان

صدو هفتاد سال پیش در چنین ماهی واقعه رضوان یعنی اعلان امر حضرت بهاءالله در باغ نجیب پاشا در بغداد رخ داد که عالم بهائی بزرگداشت آن را گرامی می دارد در همین ماه چند جشن دینی مهم دیگر نیز برگزار می شود:

۱- بودائیان در ۸ آوریل جشن تولد بودا را می گیرند که ۵۶۵ سال قبل از میلاد روی داده است.

۲- هندوان برآنند که در دهم این ماه راما ولادت یافت که جلوه دیگری از خدای ویشنو است.

۳- در فاصله ۲۰ و ۲۷ آوریل مسیحیان عید پاک را که مقارن با شهادت حضرت مسیح و بعد قیام از قبر و رفتن به آسمان است جشن می گیرند. همچنین می گویند که در هفتم این ماه بود که تولد آینده عیسی به مریم مادر آن حضرت که انتظار چنین طفلی را نداشت به او الهام شد.

در ۱۷-۱۸ آوریل یهودیان جشنی بنام "پساره" دارند که یادآورد آزادی آزادی ابناء اسرائیل از غلامی مصریان است.

می توان گفت که اجتماع این همه جشن دینی در یک ماه آپریل، به این ماه برجستگی و فرخندگی خاصی می دهد.

الها معبودا مسجودا

شهادت میدهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسئلت مینماید آنچه را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود سحاب اوهام او را ستر ننماید و غمام ظنون او را از اشراق باز ندارد. ای کریم هر صاحب بصر و سمعی بر کرمات شهادت داده و بر سبقت رحمتت گواه . عبادت را از دریای شناسائی محروم منما و از انوار وجه ظهور منع مفرما . توئی بخشنده و مهربان . لا اله الا انت العزيز المتان .

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۳۱

۲- لوح مبارک حضرت بهاءالله جل کبریائته

قَدْ طَلَعَ جَمَالُ الْقُدْسِ عَنْ خَلْفِ الْحِجَابِ وَإِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ وَانصَعَقَتِ الْأَرْوَاحُ مِنْ نَارِ الْإِنجِذَابِ وَإِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ عَجَابٌ . ثُمَّ أَفَاقَتْ وَطَارَتْ إِلَى سُرَادِقِ الْقُدْسِ فِي عَرْشِ الْقِبَابِ وَإِنَّ هَذَا لَسِرٌّ عَجَابٌ . قُلْ كَشَفَتْ حُورُ الْبَقَاءِ عَنْ وَجْهِهَا النِّقَابَ وَتَعَالَى جَمَالُ بَدْعِ عَجَابٍ . وَاشْرَقَتْ أَنْوَارُ الْوَجْهِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّحَابِ وَإِنَّ هَذَا لَنُورٌ عَجَابٌ . وَرَمَتْ بِلِحَازِهَا رَمَى الشَّهَابِ وَإِنَّ هَذَا لَرَمَى عَجَابٌ وَاحْرَقَتْ بِنَارِ الْوَجْهِ كُلَّ الْأَسْمَاءِ وَالْأَلْقَابِ وَإِنَّ هَذَا لَفِعْلٌ عَجَابٌ وَنَظَرَتْ بِطَرْفِهَا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَالتُّرَابِ وَإِنَّ هَذَا لَطَرْفٌ عَجَابٌ . إِذَا اهْتَرَّتْ هَيَاكِلُ الْوُجُودِ ثُمَّ غَابَ وَإِنَّ هَذَا لَمَوْتُ عَجَابٌ ثُمَّ ظَهَرَتْ مِنْهَا الشَّعْرَةُ السُّودَاءُ كَطِرَازِ الرُّوحِ فِي ظُلْمَةِ الْعِقَابِ وَإِنَّ هَذَا لَلَوْنُ عَجَابٌ وَسَطَعَتْ مِنْهَا رَوَائِحُ الرُّوحِ وَالأَطْيَابِ وَإِنَّ هَذَا لِمَسْكٌ عَجَابٌ ...

ادعیه حضرت محبوب صص ۱۴۶ و ۱۴۷

لوح مبارک حضرت بهاءالله جلّ جلاله. قوله تعالى

هُوَ الْعَلِيُّ الْعَلِيُّ الْعَلِيُّ

ای بلبلان الهی از خارستان ذلت بگلستان معنوی بشتابید و ای یاران ترابی قصدآشیان روحانی فرمائید مژده بجان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای گلزار قدّم را گشوده چشمها را بشارت دهید که وقت مشاهده آمد و گوشه‌ها را مژده دهید که هنگام استماع آمد دوستان بوستان شوق را خبر دهید که یار بر سر بازار آمد و هددهان سبا را آگه کنید که نگار اذن بار داده ای عاشقان روی جانان غم فراق را بسرور وصال تبدیل نمائید و سَمّ هجران را بشهد لقاء بیامیزید اگرچه تا حال عاشقان از پی معشوق دوان بودند و حبیبان از پی محبوب روان در این ایّام فضل سبحانی از غمام رحمانی چنان احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق مینماید و محبوب جویای احباب گشته این فضل را غنیمت شمیرد و این نعمت را کم نشمرید نعمتهای باقیه را نگذارید و به اشیای فانیه قانع نشوید بُرّقع از چشم قلب بردارید و پرده از بَصَر دل بردرید تا جمال دوست بی حجاب بینید و ندیده بینید و نشنیده بشنوید ای بلبلان فانی در گلزار باقی گلی شکفته که همه گلها نزدش چون خار و جوهر جمال نزدش بی مقدار پس از جان بخروشید و از دل بسروشید از روان بنوشید و از تن بکوشید که شاید به بوستان وصال درآئید و از گل بیمثال ببوئید و از لقای بیزوال حصّه برید و از این نسیم خوش صبای معنوی غافل نشوید و از این رائحه قدس روحانی بی نصیب نمانید این پند، بندها بگسلد و سلسلهء جنون عشق را بجنباند دلها را به دلداری رساند و جانها را به جانان سپارد قفس بشکند و چون طیر روحی قصد آشیان قدس کند. چه شبها که رفت و چه روزها که در گذشت و چه وقتها که به آخر رسید و چه ساعتها که به انتها آمده و جز به اشتغال دنیای فانی نَفَسی بر نیامد سعی نمائید تا این چند نَفَسی که باقیمانده باطل نشود عمرها چون برق میگذرد و فرقهها بر بستر تُراب مقرّ و منزل گیرد دیگر چاره از دست رود و امور از شست شمع باقی بی فانوس روشن و منیر گشته و تمام حجابات فانی را سوخته. ای پروانگان، بی پروا بشتابید و بر آتش زنید و ای عاشقان، بیدل و جان بر معشوق بیائید و بی رقیب نزد محبوب دوید گل مستور به بازار آمد بی ستر و حجاب آمد و بکلّ ارواح مقدّسه ندای وصل میزند چه نیکو است اقبال مقبلین فَهَنِيئاً لِلْفَائِزِينَ بِأَنْوَارِ حُسْنِ بَدِيْعٍ.

۵- لوح مبارک حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرمایند:

فیض کلیه و رحمت مُنبسطه و جمال هُویه و بحر احدیه همیشه در جریان و در انبساط و در ظهور و در موج نیست. بهار ظاهری که تربیت ظاهر اشیاء به امر خالق اسماء به او موکول و موقّض است در سال یک مرتبه ظاهر شود. و همچنین بهار معنوی که تربیت ارواح وافئده منیره می نماید و حیات باقیه دائمه مبذول می فرماید، در هر هزار سنه او از ید یک بار جلوه می نماید بر همه اشیاء از غیب و شهود خلعت هستی و تجلی ربوبی ابلاغ می فرماید، دیگر تا کی مستحق آیدوچه کس لایق باشد که ادراک نماید، پس تا نسیمهای خوش روحانی از باغهای قدس معانی می وزد و بلبل بیان بر شاخهای گل رضوان می سراید سعی و جهدی باید تا گوش از آوازه‌های ملیح ربانی بی نصیب نشود و جسم از بادهای بهار معنوی محروم نماند و این نسیم بر هر جسد که وزید حیات باقیه بخشید و بر هر شجر یابسه که مرور نمود خلعت تازه دائمه عنایت فرمود. به حفظ جان مپردازید و از جانان مگذرید.

لثالی حکمت ج ۲ ص ۷۷

ای دوستانِ بشارت ، حق آشکار آمد  
افکند پرده از رخ ، ماهی میانِ عالم  
شد وقتِ شادمانی ، هنگامِ کامرانی  
گه شد علیّ اعلی ، گه شد بهیّ ابهی  
ای بلبلانِ معنی شد موسِمِ تغنی  
در گلستانِ وحدت اکنون گلی شکفته است  
در آستانِ قدسش ، ساجد هزار عیسی  
تا کی به خوابِ غفلت باشید ای خلائق  
آن طلعت الهی با صد وقار آمد  
کز وجهه منیرش ، مه شرمسار آمد  
کان مُطربِ معانی با چنگ و تار آمد  
گاهی زِ مصرِ توحید خود بنده وار آمد  
گل گشت آشکار ، فصلِ بهار آمد  
کز نکهتَش دو عالم ، کُل مشکبار آمد  
در بارگاهِ اُنسش ، موسی هزار آمد  
چشمانِ خود گشایید ، پروردگار آمد

به نام دوست

لله المثل الاعلی، گل معنوی در رضوان الهی به قدوم ربیع معانی مشهود ولیکن بلبلان صوری محروم مانده اند گل گوید ای بلبلان منم محبوب شما و به کمال لون و نفعه عطریه و لطافت و طراوت منیعه ظاهر شده ام. با یار بیامیزید و از دوست مگریزید. بلبلان مجاز گویند: ما از اهل یثربیم و به گل حجاز انس داشته و تو از اهل حقیقتی و در دبستان عراق کشف نقاب نموده ای گل گفت: معلوم شد که در کل احوان از جمال رحمن محروم بوده اید و هیچوقت مرا نشناخته اید بلکه جدار و روافد و دیار را شناخته اید چه اگر مرا می شناختید، حال از یار خود نمی گریختید. ای بلبلان من نه خود از یثربیم و نه از بطحاء و نه از عراق و نه از شام ولیکن گاهی به تفرج و سیر در دیار سائریم، گاهی در مصر و وقتی در بیت اللحم و جلیل و گاهی در حجاز و گاهی در عراق و فارس و حال در ادرنه کشف نقاب نموده ام شما به حب من معروفید ولیکن از من غافل. معلوم شد که زاغید و رسم بلبل آموخته اید. در ارض وهم و تقلید سائرید و از روضه مبارکه توحید محروم... پس ای بلبلان انسانی جهد نمائید که دوست را بشناسید و دست تعدی خزان را از این گل رضوان رحمن قطع نمائید یعنی ای دوستان حق کمر خدمت محکم بر بندید و اهل آفاق را از مکر و نفاق اهل شقاق حفظ نمائید و اگر به خضوع و خشوع و سایر سجایای حق بین عباد ظاهر شوید. ذیل تقدیس از مفتریات ابلیس و مظاهرش طاهر ماند و آلوده نشود و کذب مفترین بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد و اگر نعوذ بالله عمل غیر مرضیه از شما مشاهده شود جمیع به مقرر قدس راجع است و همان اعمال مثبت مفتریات مشرکین خواهد شد و هذا الحق یقین و الحمد لله محبوب العالمین

## ۸- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای یاران روحانی عبدالبهاء در این دم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان جذب و سرور است وله و حُبور و تجلی یوم مشکور شادمانی است و کامرانی روحانی است و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانه چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی زیرا یوم خروج اسم اعظم است در عراق از مدینه الله به حدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند . لهذا اشراق آن بشاشت ،ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلآء کلمه الله بر جمیع امکان گشت . پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کلّ چنان وجد و سروری نمائید که ملکوت وجود را به حرکت آرید . لهذا عبدالبهاء به بشارت کبری فائز و نهایت تضرع و ابتهاال را به درگاه جمال ابهی مینماید که جمیع یاران را به روح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد ...

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۲۸

## ۹- بیان مبارک حضرت عبدالبهاء

از عدد ایام رضوان سؤال نموده بودید دوازده روز است و یوم اولش همان یوم دو ساعت به غروب مانده است دیگر در جمیع اوقات باید دوستان الهی با یکدیگر با کمال حکمت معاشرت و ملاقات نمایند و به ذکر حق مشغول گردند و از یکدیگر رائحه طیبیه محبه الله استشمام کنند

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۵۲ ص ۴۵۵



## ۱۰-توقیع حضرت ولی محبوب امرالله

ای برادران روحانی ایام خوش رضوان است و این عبد ناتوان با جمعی از مجاورانِ کعبه جانان به یاد مساعی جلیله و مجهودات مستمره آن برگزیدگان و مجاهدانِ سبیل حضرت رحمن پرروح و ریحان. به ذکرتان دم‌سازیم و از هُبُوب نَسَمات حُب و وفا از شَطرتان پروجد و اهتزاز...فرخنده نفسی که در این روز فیروز و عصر جهان افروز ساعات و دقائق حیات گرانبهای خویش را صرف اعزاز و اشتهار و استخلاص و استقلال این آئین اعظم الهی بفرمود و خجسته قلبی که به جز بسط دعوتش در این جهان تنگ و تاریک تمنا و آرزویی نکرد. پس خوشا به حال شما که این مقام بلند اعلی را حائزید و به این وظیفه عالیّه متعالیه کُبری مفتخر و فائز. بیشه حقیقت را غَضَنفران صَفدرید و مِضمار عبودیت کبری را فارسانی شَجیع و دلیر. به مرور ایام و تتابع شُهور و أعوام آنچه در هویت این امر خفی اَلطفِ اعزّ اعلی مکنون و مخزون و مُندَمِج است مکشوف و پدیدار گردد و رفعت مقام آن سروران عِظام در مابین اَنام واضح و مُبرهن شود. و انّ هذا الوعد المذکور.

توقیعات مبارکه (۱۹۳۹-۱۹۲۷) ص ۷۸-۷۷

برای بهائیان سرتاسر دنیا این روزها روزهای عید گل یا عید رضوان است که آن را گرامی می‌شمارند و جشن می‌گیرند. عید گل در حقیقت دوازده روز طول می‌کشد که از اول اردیبهشت آغاز می‌شود. این عید به این خاطر است که 164 سال قبل یعنی در سال ۱۸۶۳ میلادی (۱۲۴۲ شمسی) در حالی که دو دولت ایران و عثمانی دستور تبعید بهاءالله را از بغداد به استانبول صادر نمودند بهاءالله و یارانش پیش از حرکت به سمت استانبول بمدت دوازده روز در خارج از بغداد در باغی بنام نجیبیه (رضوان) جمع گشتند. در اولین روز از این دوازده روز بهاءالله به گونه‌ای علنی سرآغاز آیین بهائی و پیام روحانی نوین خود را به همراهان خویش اعلان نمود. اگرچه ممکن است در ابتدا این عید تنها عیدی مذهبی تلقی گشته و فقط مربوط به هموطنان بهائی پنداشته شود اما واقعیت این است که این عید، عید همه ایرانیان است چرا که عید گل، عید آزادی و برابری همه مردم ایران است. درست است که در اولین روز عید گل بهاءالله مقام خود را بعنوان پیامبری ایرانی علنی نمود، اما در آن روز بهاءالله آیین خود را به عنوان دعوتی که از سه اصل کلی تشکیل می‌شود معرفی نمود. در تحلیل نهائی عید گل عبارت از تجلیل این سه اصل می‌باشد.

در یکی از نوشته‌های خود بهاءالله از این رخداد و سه اصل نوینی که در آن روز توسط وی مطرح گردید سخن می‌گوید. به گفته بهاءالله: «در یوم اول... در بستانانی که به رضوان نامیده شد... به سه آیه مبارکه نطق فرمود.» این سه اصل سر آغاز فرهنگی نوین است که طلوعه‌دار بیداری فرهنگی ایران است چرا که بیش از ۴۰ سال قبل از انقلاب مشروطه ندای تقدس انسان و برابری حقوق همگان و آزادی عقیده و مذهب و خردورزی و زمانمندی را به مردم ایران گوشزد می‌کند. این سه بیان در واقع نفی استبداد مذهبی و سیاسی در آن واحد است.

اولین گفته بهاء‌الله در این روز آن بود که «سیف در این ظهور مرتفع است.» این بیان نه تنها دعوتی کلی به فرهنگ صلح و وداد و دوستی است بلکه بعلاوه و مخصوصاً نفی فرهنگ خشونت مذهبی است. از نظر بهاء‌الله آزادی وجدان و عقیده و مذهب اولین شرط حرکت بسوی خردورزی و پیشرفت و تکامل ایران است. بر طبق این اصل همه مردم ایران صرف نظر از باور دینیشان شهروند ایرانند و در حقوق اجتماعی و سیاسی باید برابر باشند. آنچه که حقوق شهروندی مردم ایران را تعیین می‌نماید نه مسلمان بودن یا شیعه بودنشان بلکه انسانیت ایرانیان است و بس. اینجاست که بهاء‌الله در واقع اولین کسی است که مفهوم راستین ملت ایران را مطرح می‌نماید در عین حال که از تقدس اصل حقوق بشر در ارتباط با همه انسان‌ها نیز سخن می‌گوید. دومین گفته بهاء‌الله در آن روز تأکیدی بر اصل زمانمندی است و اینکه هیچ آیینی آخرین آیین نیست و آیین بهاء‌الله نیز پس از هزار سال توسط پیامبری نوین تجدید خواهد شد. این اصل نفی کامل سنت پرستی و انحطاط انسان به حد یک حیوان یا شیئی بی جان است که ایستا و راکد بوده و همواره توسط سنت‌های کهن و غیرقابل تغییر تعیین می‌شود. اگر چه اصل زمانمندی و هشیاری تاریخی توسط برخی فلاسفه غربی مانند هگل و مارکس و دیلتای مورد تأکید قرار گرفت اما بهاء‌الله در آن روز اصل پویائی و تحول را به پهنه کلام الهی نیز گسترش داد و از این نظر رادیکال‌ترین شکل آن اصل را مطرح نمود. سومین گفته بهاء‌الله در آن روز آن بود که خداوند «در آن حین بر کل اشیاء به کل اسماء تجلی فرمود.» بیان سوم بزرگترین اصل فلسفی جهان بینی بهائی است. این اصل بعداً در کتاب اقدس نیز تکرار و تأکید می‌شود. در آن کتاب بهاء‌الله بیان می‌کند که چون خداوند بر همه اشیاء و همه انسانها به همه صفات خود تجلی فرمود در نتیجه با آغاز عید رضوان همه کس ذاتاً مقدس و دارای حقوق برابر و پاک تلقی می‌گردد. به این جهت است که بهاء‌الله به استناد همین اصل نه تنها از برابری حقوق همه انسان‌ها سخن می‌گوید بلکه بعلاوه تأکید می‌نماید که دیگر هیچ انسانی و هیچ قوم و مذهبی نمی‌تواند نجس تلقی بشود. برعکس با این تجلی همگان در دریای پاکی غوطه ور شدند. به این دلیل است که بهاء‌الله نه تنها اصل شبه نژادپرستانه نجاست و اجتناب از «دیگران» را نسخ می‌نماید بلکه از حکم برابری همه ایرانیان فراتر رفته بلکه همگان را به فرهنگ معاشرت و وداد و الفت با همه اقوام و مذاهب دعوت می‌نماید. همین اصل است که در آیین بهاء‌الله خود را به شکل تحریم برده داری، برابری حقوق زنان و مردان، عدالت اقتصادی و نفی همه نوع فرهنگ خشونت و نفرت و تبعیض نمایان می‌نماید. بدین سبب است که صرف نظر از باور مذهبی، عید گل در واقع عید تولد فرهنگ برابری و آزادی و حقوق بشر در ایران نوین است. چهل و چند سال بعد از این رخداد بود که طرفداران مشروطه جلوه‌ای از این فرهنگ را بعنوان اصل مشروطیت مورد دفاع قرار دادند. این همان فرهنگی است که با اعلان اصل آزادی مذهب توسط کورش کبیر آغاز می‌گردد و در عید گل به گونه‌ای گسترده و فراگیر

توسط پیامبر ایرانی به ایران و جهان اعلان می‌گردد. به امید آنکه ایران عزیزمان شاهد نهادینه شدن آزادی و برابری و وداد در همه لایه‌های زندگی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران بشود.